



## غزوه بدر، کلید فتوحات پیامبر(ص)

گل محمد شاهبازی<sup>۱</sup>  
(مذهب: حنفی - استان خراسان رضوی)

### چکیده

در رمضان سال دوم هجری، واقعه بسیار مهم و سرنوشت‌سازی در تاریخ اسلام رخ داد که تحول شگرفی در سرنوشت اسلام و مسلمانان به وجود آورد و در پی آن، جهان آن روز نسبت به اسلام نظر دیگری پیدا کرد؛ این واقعه، وقوع جنگ بدر بود. جنگ بدر نخستین جنگ بزرگ مسلمانان با کفار قریش بود که در سال دوم هجرت رخ داد و موجب شکست مفتضحانه دشمن گردید. پیامبر شخصاً در آن شرکت نموده و فرماندهی جنگ را در دست داشت. بدر در جنوب غربی مدینه بین مدینه و مکه قرار گرفته و از این رو آن را بدر می‌گویند که نام صاحب آبهای آن «بدر» بوده است. علت این جنگ، فشارهایی بود که کفار قریش بر مسلمانان وارد می‌کردند، از طرفی کفار، اموال مهاجران را در مکه، مصادره کرده بودند و به طور کلی می‌خواستند مسلمانان را در مدینه در فشار محاصره اقتصادی قرار دهند، و روشن است که اگر این فشار ادامه می‌یافت، دست کم جلوی توسعه و گسترش اسلام گرفته می‌شد.

در این نبرد که اولین رویاروی اسلام با کفر بود، ۳۱۳ نفر از مسلمانان که ۷۷ نفرشان از مهاجران بودند و بقیه از انصار، شرکت داشتند. سرانجام جنگ با پیروزی اسلام و شکست دشمن پایان یافت و از مسلمانان چهارده یا بیست و دو نفر به افتخار شهادت رسیدند. از کفار، ۷۰ نفر کشته شدند و ۷۰ نفر اسیر گشتند.

کلیدواژه‌ها: جنگ بدر، پیامبر، مسلمانان، مشرکان، مکه، مدینه، قریش.



## مقدمه

یکی از حوادث مهم تاریخ صدر اسلام جنگ بدر بود که در سال دوم هجری در ماه مبارک رمضان به وقوع پیوست. بررسی و مرور جنگ بدر می‌تواند درس‌های زیادی برای مسلمانان داشته باشد. ضمن اینکه مطالعه و شناخت تاریخ پرافتخار صدر اسلام نشان می‌دهد چگونه مسلمانان با دستان خالی و قلبی سرشار از ایمان و توکل به خداوند، در برابر دشمنان مسلح و مجهز و دارای جمعیت بیشتر پیروز شدند. علاوه بر این در جنگ بدر مسلمانان شاهد بودند که چگونه خداوند مؤمنینی که در راه یاری دین خدا جهاد می‌کنند را با امدادهای غیبی خویش مدد می‌رساند و نیز دشمنان را که با انگیزه نابودی دین خدا تلاش می‌کنند، به خواری و مذلت دچار می‌سازد.

اگر مسلمانان امروز همین درس را از جنگ بدر بیاموزند، هرگز با داشتن این همه سرمایه‌های مادی و معنوی در برابر جریان استکبار جهانی خوار و ذلیل نمی‌شوند و به عنوان ابزار دست دشمنان به جنگ و خونریزی و نسل‌کشی یکدیگر نمی‌پردازند. این نوشتار بر آن است با نگاهی اجمالی به جنگ بدر و تحلیل عوامل پیروزی آن، گامی هرچند کوچک در مسیر شناخت ظرفیتهای جامعه اسلامی و وحدت و اتحاد مسلمانان بردارد.

## علت اذن جهاد و حادثه جنگ بدر

در ۱۳ سال اول اقامت پیامبر(ص) در مکه، فقط خلاصه عقاید اسلام بیان می‌شد و اجازه مبارزه و دفاع از سوی خداوند داده نشده بود. شعار مسلمانان در مکه «لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ» (کافرون، ۶) بود، بنابراین هیچ نوع مبارزه‌ای صورت نگرفت. فقط یکی دو نفر از مسلمانان (یاسر و سمیه، پدر و مادر عمار)، که سخت مقاومت کردند، شهید شدند. چون طایفه‌ای نداشتند و هم‌پیمان هیچ یک از قبایل بزرگ نبودند، مورد حمایت کسی قرار نگرفتند و به عنوان اینکه درس عبرتی برای دیگران باشد، در مکه به دار آویخته شدند. این وضع با هجرت پایان یافت. رسول الله(ص)، با قبیله اوس و خزرج تماس گرفت و مردم مدینه اسلام را پذیرفتند و اولین دولت اسلامی تشکیل شد. در این زمان در مکه اموال باقیمانده مسلمانان توسط قریش به غارت می‌رفت و اقوام و بستگان‌شان مورد اذیت قرار می‌گرفتند، بنابراین از پیامبر اذن جنگ می‌خواستند تا اینکه خداوند اولین بار در سوره حج اعلام کرد: «أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بَأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ»؛ (حج، ۳۹ و ۴۰) «به آنهایی که مورد حمله و ظلم قرار گرفتند، اجازه [جهاد] داده شده است و بی‌شک خداوند بر یاریشان تواناست. کسانی که از خانه‌ها و سرزمین‌شان به ناحق بیرون رانده شده‌اند، از آن روی که گفتند پروردگار ما الله است». یعنی صرفاً برای این که بت‌پرستی را رها کردند و الله بی‌مانند را قبول کردند، از خانه‌هایشان اخراج شدند، گناهی دیگر نداشتند. بنا بر این جنگ به چند دلیل می‌بایست صورت می‌گرفت:

۱. کلیه مهاجرانی که از مکه رانده شده و مجبور به هجرت شدند، خویشان کافرشان اموال آنان را مصادر کردند.
۲. مدینه منوره بین مکه و شام قرار داشت و مردم مکه هیچ نوع حرفه و کاری نداشتند؛ مطلقاً مصرف‌کننده بودند. وقتی مهاجران در مدینه مستقر شدند، الزاماً راه تجارت مکه - شام به خطر افتاد و با توجه به علت اول، قریش خودش این را احساس کرد که مسلمانان نمی‌توانند بیکار بنشینند؛ زیرا مدینه از هر طرف محاصره شده بود و ساکنان مدینه در مضیقه بودند، اصلاً قریش توصیه کرده بود که کسی چیزی به مدینه نفرستد، و هیچ‌کس

به مدینه چیزی نمی‌فرستاد. این در حالی بود که قریشیان اموال مهاجران را مصادره کرده بودند و با آن تجارت می‌کردند. این وضع قابل تحمل نبود. پیامبر(ص) برای شکستن این محاصره، تدابیری اندیشید، بزرگ‌ترین تدبیرش این بود که عبور کاروانهای تجارتمی‌مشرکان مکه را قدغن کند.

چگونگی شروع جنگ بدر

در رمضان سال دوم هجری به پیامبر خبر رسید که ابوسفیان با کاروان بزرگ قریش که اموال همه مردم در آن است، از شام حرکت کرده است (ابن‌هشام، ج ۱، ص ۲۰۲). این یک فرصت طلایی برای مسلمانان بود که بتوانند یک ضربه اقتصادی کمرشکن به اهل مکه وارد کنند. آن اقتصاد و سرمایه‌ای که همواره برای تضعیف مسلمانان به کار برده می‌شد. پیامبر دستور بسیج عمومی برای به دست آوردن اموال کاروان صادر نمودند. در آن طرف ابوسفیان که از حرکت رسول خدا و هدفش اطلاع یافت، فوراً فرستاده‌ای برای تقاضای کمک نزد قریش به مکه فرستاد.

پاسخ مثبت مهاجران و انصار و فداکاری آنان در اطاعت امر وقتی خبر حرکت قریش به رسول اکرم(ص) رسید، آن حضرت نظریه انصار را خواستار شد، چرا که انصار با پیامبر بیعت کرده بودند که فقط در داخل مدینه از ایشان محافظت نمایند.

سعد بن معاذ به نمایندگی از انصار چنین گفت: ای رسول خدا به هر طرفی می‌خواهی حرکت کن و با هرکسی می‌خواهی ارتباط برقرار کن و از هرکس می‌خواهی قطع ارتباط کن، از اموال ما هرچه دوست داری بگیر و هرچه دوست داری به ما بده، البته آنچه را از ما می‌ستانی به مراتب نزد ما محبوب‌تر از آن خواهد بود که برای ما می‌گذاری. به خدا اگر تا برک غمدان (نام قصری در صنعا یمن می‌باشد) بروی، ما همراه شما خواهیم آمد و اگر ما را از دریا عبور دهی، عبور خواهیم کرد (عیون الأثر، ج ۱، ص ۳۲۸).

مقداد که سخنگوی مهاجران بود، عرض کرد: ما هرگز سخنی را که قوم موسی بدو گفتند (بروید شما و خدایتان بجنگید، ما اینجا نشستیم)، به شما نخواهیم گفت. ما قطعاً از

جانب راست و چپ شما و از جلو و پشت سر به جنگ و دفاع خواهیم پرداخت (همان).  
 وقتی پیامبر با این پاسخهای جانانه مواجه شد، مسرور شد و فرمود: «سیروا و آبشروا».

### فراخوان عمومی قریش برای جنگ

مشرکان مکه و در رأس آنها ابوجهل، مردم مکه را به جنگ با مسلمانان فراخواندند و تهدید کردند که همه باید شرکت کنند و هرکس تخلف کند، خانه‌اش ویران و اموالش مصادره خواهد شد. مردم شتابان از جای جستند. عده‌ای عازم نبرد شدند و عده‌ای افراد دیگری را به جای خودشان آماده کردند.

از اشراف مکه جز ابولهب کسی برجا نماند. او نیز مردی را که از او طلبکار بود به جای خودش اعزام کرد (خورشید نبوت، ترجمه الرحیق المختوم، ص ۴۰۱).

### تفاوت کیفی و کمی دو لشکر

رسول خدا به همراه ۳۱۳ نفر به سوی بدر حرکت کرد، که مرکبهای آنها در این سفر از دو رأس اسب و هفتاد شتر تجاوز نمی‌کرد. بر هر شتر دو یا سه نفر به نوبت سوار می‌شد، امتیازی بین فرمانده و سرباز وجود نداشت (غزوات الرسول و سرایاه، ج ۱، ص ۴). پیامبر پرچم جنگ را به دست مصعب بن عمیر داد، پرچم مهاجران به دست حضرت علی و پرچم انصار به دست سعد بن معاذ قرار گرفت (ابن هشام، ج ۱، ص ۶۱۲).

شمار جنگجویان مکه ۱۳۰۰ تن بود که یکصد اسب و ششصد زره داشتند. ابوجهل فرماندهی کل سپاه را به عهده داشت. مسئول پشتیبانی و تدارکات نه تن از اشراف قریش بودند که روزانه ده شتر می‌کشتند (خورشید نبوت، ترجمه الرحیق المختوم، ص ۴۰۱).

### ساماندهی جبهه مسلمانان

فرماندهی راست لشکر به زبیر بن عوام و فرماندهی چپ لشکر به مقداد بن عمرو و فرماندهی میانه لشکر نیز به قیس بن صعصعه واگذار شد و فرماندهی کل قوا را شخص پیامبر بر عهده گرفتند (همان، ص ۳۹۹).

### دودستگی در لشکر کفار

مکیان خانه و کاشانه خود را ترک کردند و عازم نبرد شدند، چنان که خداوند فرمود: «بَطْرًا وَرِثَاءَ النَّاسِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ» (انفال، ۴۷). ابوسفیان همین که به نزدیکی بدر رسید،

شخصی را فرستاد تا از لشکر مدینه خبر گیرد و از حرکت مسلمانان مطلع شد و تغییر جهت داد و از سوی غرب به سمت ساحل بحر احمر حرکت کرد.

سپاهیان مکه به جحفه که رسیدند نامه‌ای از ابوسفیان دریافت کردند با این مضمون که کاروان در امان است حال، شما برگردید. لشکر مکه با دریافت نامه ابوسفیان عازم بازگشت به مکه شدند، اما ابوجهل با دنیایی از غرور و تکبر برخاست و ندا در داد: به خدا باز نمی‌گردیم تا وارد بدر شویم. آنجا سه شبانه‌روز بمانیم، شترها بکشیم، مردم را اطعام کنیم، شراب بنوشیم، نوازندگان بنوازند، تا همه عرب آوازه حرکت و شوکت ما را بشنوند. اخنس به اتفاق بنی‌زهره بازگشتند، و از بنی زهره کسی در جنگ شرکت نکرد، که حدود ۳۰۰ نفر بودند. بنی هاشم تصمیم بازگشت گرفتند که با اصرار و پافشاری ابوجهل منصرف شدند (ابن هشام، ج ۱، ص ۶۱۸).

#### مشورت با اصحاب

پیامبر و یارانش در قسمت پایین چاه بدر موضع گرفتند. در این موقع حباب بن منذر عرض کرد: یارسول الله آیا این جایگاه را به فرمان خداوند متعال انتخاب نموده‌ای یا اینکه رأی شخصی شما است و مصلحت جنگی چنین اقتضا می‌کند، پیامبر فرمودند: خیر این نظریه شخصی من است. آن‌گاه حباب گفت یا رسول الله اگر چنین است این جایگاه مناسب نیست، و جایگاه مناسب‌تری را پیشنهاد کرد تا هم به نزدیک‌ترین چاه به طرف قریش برسند و نیز اشراف بیشتری به سپاه دشمن داشته باشند. رسول اکرم (ص) فرمودند: نظر بسیار خوب و جالب توجهی ارائه نمودی، آن‌گاه حضرت به اتفاق یارانش از آنجا به کنار آبی که نزدیک دشمن بود نقل مکان کردند (الکامل فی التاریخ، ج ۱، ص ۲۸۲).

#### باران معجزه آسا

مسلمانان کنار آب حوضچه‌هایی را درست کردند و آب چاه را در حوضهایی که ساخته بودند، انداختند، آن شب خداوند بارانی از آسمان نازل فرمود. با توجه به اینکه باران در یک مکان و به یک اندازه فرود آمد، برای مشرکان سیل به راه انداخت و مانع پیش‌روی آنان شد و برای مسلمانان باران ملایمی بود که زمین ریگزار را زیر قدمهایشان محکم و هموار ساخت و به واسطه آن ایشان را پاکیزه ساخت و آلودگی شیطان را از ایشان زدود.

صبح روز بعد عده‌ای از سپاه قریش به طرف حوضی که مسلمانان ساخته بودند، رفتند. رسول خدا(ص) فرمودند: بگذارید به حال خودشان باشند و هر کدام از آن آب نوشیدند (ترجمه نبی رحمت، ابوالحسن ندوی، ص ۲۰۷).

### آمادگی برای نبرد نابرابر

پیامبر گرامی اسلام پس از آنکه صفوف رزمندگان را آراستند و لشکریان را دیدند، وارد سایبان خود شدند و به دعا و تضرع به درگاه حق پرداختند؛ زیرا می‌دانستند که اگر تکیه مسلمانان به نیرو و امکانات ظاهری باشد، نتیجه همان است که هر ضعیفی در مقابل قوی به دست می‌آورد. رسول الله برای این دسته اندک با خدای خویش به راز و نیاز مشغول شد و پیروزی و نصرتی را که خداوند وعده داده بود، چنین می‌طلبید: «اللهم أنجزلی ما وعدتني اللهم انی ائشدک عهدک و وعدک»؛ «خداوندا، آن نویدی را که به من داده بودی به انجام برسان. خداوندا من وفای به عهد و تحقق وعده تو را می‌طلبم»، «اللهم ان تهلك هذه العصابة لاتعبد بعدها فی الارض»؛ «بارالها اگر این گروه کوچک نابود شوند، دیگر کسی تو را نخواهد پرستید» (فصول فی سیره المرسلین، ج ۱، ص ۳۲).

### آغازی نافرجام برای سپاه قریش در جنگ تن به تن

سه نفر از سپاه قریش به نامهای عتبه، شیبه و ولید بن عتبه جلو آمدند و مبارز طلبیدند. سه تن از جوانان انصار پیش قدم شدند که آنها پذیرفتند و گفتند ما را با شما کاری نیست، ما عموزادگانمان را می‌طلبیم. در این بین رسول خدا فرمود: «قم یا عبیده، قم یا حمزه و قم یا علی»؛ «برخیز عبیده، برخیز حمزه و برخیز علی». این پهلوانان برخاستند و به سراغ آن سه رفتند که در نبردی جانانه آن سه را از پای درآوردند (الکامل فی التاریخ، ج ۱، ص ۲۸۴).

### یورش همگانی و نزول فرشتگان

پس از جنگ تن به تن که به نفع سپاه اسلام خاتمه یافت، یورش همگانی شروع شد که مسلمانان با شعار أحد أحد و کمک فرشتگان، پیاپی خسارتهای سنگینی به دشمن وارد می‌کردند (ابن هشام، ج ۱، ص ۶۳۴). که خداوند به همین مطلب اشاره دارد: «إِذْ



يُوحِي رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ أَنْتِي مَعَكُمْ فَثَبِّتُوا الَّذِينَ آمَنُوا سَأَلْتَنِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ فَأَضْرِبُوا فَوْقَ الْأَعْنَاقِ وَأَضْرِبُوا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ» (انفال، ۱۲)، «أَنْتِي مُمَدِّكُم بِأَلْفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُرَدِّفِينَ» (انفال، ۹)، «وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى» (انفال، ۱۷).

شکست قطعی لشکر دشمن

در برابر حملات شدید مسلمانان، نشانه‌های شکست در صفوف مشرکان پدیدار گردید و مشرکان دسته دسته از معرکه جنگ می‌گریختند و مسلمانان آنان را تعقیب می‌کردند و اسیر می‌کردند یا به قتل می‌رسانیدند و با کشته شدن سران قریش از جمله ابوجهل، شکست مشرکان قطعی شد.

فتح مبین

در این عرصه کارزار چهارده تن از مسلمانان به شهادت رسیدند، در مقابل هفتاد نفر از کفار کشته و هفتاد تن اسیر شدند، پیامبر پس از جنگ بدر خطاب به کشته شدگان قریش گفت: «إنا وجدنا ما وعدنا ربنا حقا فهل ما وجدتم ما وعدكم ربكم حقا؟» «همانا ما آنچه را که پروردگاران وعده داده بود به حق یافتیم. آیا شما هم آنچه را خدایانتان به شما وعده داده بودند، حق یافتید؟». اصحاب سؤال کردند چگونه با اجسادى که مرده‌اند تکلم می‌کنید؟ حضرت فرمودند: «به خدا قسم همه آنان کلام مرا بهتر از شما شنیدند» (الدر فی اختصار المغازی و السیر، ج ۱، ص ۱۱۰).

عوامل پیروزی سپاه اسلام

عوامل متعددی در پیروزی مسلمانان نقش داشت که به ذکر چند مورد اساسی بسنده می‌کنیم:

۱. امداد الهی: مهم‌ترین عامل نیز می‌باشد، وگرنه لشکری اندک و تنها با یک یا دو اسب چگونه بر سپاهی انبوه و کاملاً مجهز پیروز می‌شود.
۲. داشتن فرماندهای مدبر: با به کارگیری تاکتیکهای جنگی خوب، از جمله انتخاب فرماندهان قوی برای جهات مختلف سپاه اسلام.
۳. ایمان به خدا و اظهار عجز به پیشگاه او: نمونه‌اش دعا و تضرع پیامبر قبل از آغاز جنگ می‌باشد.



۴. اعتماد به وعده الهی و استقامت تا محقق شدن این وعده: که شامل نزول فرشتگان، نزول باران، تسلط خواب آرام و ... می‌باشد.

۵. اتحاد و عدم کشمکش: ولی عدم این شاخصه در سپاه مقابل مشاهده شد که سبب بازگشت عده‌ای از جنگ شد.

۶. وجود مهره‌های کلیدی در این لشکر: از قبیل حضرت علی(ع) و حضرت حمزه که تعداد زیادی از کشته‌های دشمن توسط حضرت علی به هلاکت رسیدند.

۷. تضعیف روحیه دشمن در جنگ تن به تن که مقدمه شکست دشمن و پیروزی اسلام شد.

۸. روحیه رقابت در میان سپاه مسلمانان: تا جایی که نوجوانی به خاطر کم سن و سال بودن، خود را از نگاه مردم پنهان می‌کرد، برادر بزرگ‌ترش پرسید: چرا چنین می‌کنی؟ گفت: می‌ترسم مبادا رسول اکرم مرا به دلیل کم سن و سال بودن از شرکت در جنگ باز دارد. نمونه دیگر همکاری دو نوجوان در کشتن ابوجهل بود که به این مهم دست یافتند (ترجمه نبی رحمت، ابوالحسن ندوی، ص ۲۰۵).

بازتاب جنگ بدر در مدینه

رسول خدا(ص) سه روز در بدر ماند و پس از خاکسپاری شهدا، زید بن حارثه و عبدالله بن رواحه را به مدینه فرستاد تا خبر پیروزی مسلمانان را به مدینه برسانند (ابن هشام، ج ۲، صص ۲۹۶-۳۰۰). جنگ بدر در مدینه، هم در میان مسلمانان و هم در میان یهودیان و منافقان (اسباب النزول، ص ۸۵)، بازتاب گسترده‌ای داشت. این پیروزی چنان عظیم و مهم بود که نه تنها مسلمانان، بلکه عمده منافقان و یهودیان سخن زید بن حارثه و عبدالله بن رواحه را که پیش از رسیدن سپاه به مدینه خبر پیروزی را به مدینه رساندند، باور نمی‌کردند و می‌گفتند که آنان نمی‌دانند چه می‌گویند. حتی سخنان زید را ناشی از هراسی که از شکست مسلمانان بر او عارض شده می‌دانستند (ابن هشام، ج ۲، صص ۲۹۶-۳۰۰). این تعجب از آن رو بود که مردم مدینه با نام برخی از بزرگان قریش در میان اسامی کشته‌شدگان مواجه شدند. مردم از جمله بزرگان خزرج با شنیدن این خبر به روحا آمدند و پیروزی بدر را به پیامبر(ص) شادباش گفتند و کسانی که در این غزوه حاضر نشده بودند از رسول خدا(ص) عذرخواهی کردند (همان، صص ۱۱۶ و ۱۱۷). یهودیان و منافقان

نیز وقتی اسیران را با دستهای بسته دیدند، خوار و زبون شدند. حتی با توجه به غنایم مسلمانان چنان احساس حقارت کردند که آرزو کردند با پیامبر در بدر حضور می‌داشتند تا غنیمتی به دست می‌آوردند؛ زیرا معتقد بودند دیگر پرچمی برای او افراشته نخواهد شد، مگر اینکه پیروز شود. کعب بن اشرف از بزرگان یهود در آن هنگام مرگ را برتر از زندگی دانست و گفت: امروز زیر زمین بهتر از روی آن است. وی کشته شدگان را، بزرگان و پادشاهان عرب و اهل حرم دانست. او نتوانست خشم و ناراحتی خود را اظهار نکند، از این رو به مکه رفت و با مرثیه‌سرایی بر کشته شدگان قریش، آنان را به انتقام از پیامبر(ص) ترغیب کرد (همان، صص ۱۲۱ و ۱۲۲).

از جمله پیامدهای دیگر جنگ بدر در مدینه نگرانی انصار نسبت به هم‌پیمانان یهودی خود بود و از این رو به آنان گفتند: پیش از اینکه همانند آنچه بر قریش در بدر وارد شد بر شما بیاید اسلام را بپذیرید (طبرسی، ج ۳، ص ۳۵۴).

#### بازتاب جنگ بدر در مکه

بازتاب جنگ بدر در مکه بسیار گسترده‌تر از مدینه بود. خبر شکست مشرکان را حیسمان بن حابس خزاعی به مکه رساند (ابن‌هشام، ج ۲، ص ۳۰۰). مکیان نیز همانند مردم مدینه در اولین برخورد با این رویداد مهم سخن او را به شدت انکار و او را به هزیان‌گویی متهم می‌کردند. چون قریش به مکه بازگشت و همه چیز روشن شد، ابوسفیان برای برافروخته نگه داشتن خشم مشرکان نسبت به مسلمانان آنان را از هرگونه گریستن و نوحه و مرثیه‌سرایی بر کشتگان و از هرگونه خوشی و لذت‌جویی برحذر داشت (واقعی، ج ۱، صص ۱۲۱-۱۲۳). برخی که نمی‌توانستند برای کشته‌شدگان نشان عزاداری نکنند به بیرون مکه رفته و در آنجا نوحه‌سرایی می‌کردند (همان، ص ۱۲۳)، اما وقتی کعب بن اشرف یهودی به مکه آمد و مرثیه‌سرایی کرد، دیگران نیز اشعار او را خوانده، گریه و زاری را آشکار کردند. مکه یک ماه در غم و اندوه فرو رفته بود و هیچ خانه‌ای نبود مگر اینکه بر کشتگان خود مرثیه می‌خواند.

#### مقام اصحاب بدر

مقام بدریها در روایات ناظر به برخی آیات و نیز سخنان صحابه جایگاه مهم و ویژه‌ای یافت و در اعتقادات اهل سنت بدریان از دیگر صحابه جایگاه برتری دارند. برخی از

مفسران در شأن نزول آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحَ اللَّهُ لَكُمْ» (مجادله، ۱۱) آورده‌اند که گروهی از بدریان وارد مجلسی شدند که رسول خدا (ص) در آن حضور داشت. اصحاب برای آنان جا باز نکردند، از این رو پیامبر (ص) به برخی فرمان داد تا برخیزند و بدریان بنشینند. برخی از اصحاب از این فرمان اندکی ناراحت شدند و منافقان نیز سخنان فتنه‌انگیزی گفتند و آیه مزبور در شأن بدریها نازل شد (زاد المسیر، ج ۸، ص ۱۹۱). از نظر عطاء بن رباح، بدریان مصداق: «وَالسَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ» (توبه، ۱۰۰) هستند که در ذیل آیه به آنان وعده بهشت داده شده است (طبرسی، ج ۵، ص ۱۱۱). مطابق قولی از عکرمه، اصحاب بدر بهترین امت دانسته شده‌اند (زاد المسیر، ج ۲، ص ۱۶).

مقام بدریان چنان بود که مجاهد گوید: برخی که در بدر حاضر نشده بودند، آرزو می‌کردند در جنگ بدر شرکت داشتند تا همانند آنان ثواب و اجر می‌داشتند؛ ولی چون روز احد شد آنان فرار کردند و خداوند آنان را چنین مورد عتاب قرار داد: «وَلَقَدْ كُنتُمْ تَمَنَّوْنَ الْمَوْتَ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَلْقَوْهُ فَقَدْ رَأَيْتُمُوهُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ» (آل عمران، ۱۴۳) (مجاهد، ج ۱، ص ۱۳۷).

اصحاب بدر از نظر اقتصادی و اجتماعی نیز جایگاهی ممتاز داشتند؛ خلیفه دوم در دیوان مالی برای آنان امتیاز خاصی قائل شد و سهم هریک از آنان را ۵۰۰۰ درهم در سال قرار داد (تاریخ المدینه، ج ۳، ص ۱۰۵۱). شاید بر همین اساس است که برخی صحابه‌نگاران چون ابن سعد و ابونعیم در ترتیب، اسامی صحابه بدری را بر دیگران مقدم می‌دارند و در این باره روایاتی مبنی بر فضایل ویژه آنان نقل می‌کنند (معرفة الصحابه، ج ۱، صص ۳۵ و ۳۶). حضور نیروهای بدری در هر سپاه و گروه و حزبی امتیاز ویژه برای تأیید آن گروه و حزب به شمار می‌رفت و این از باورهای اجتماعی در قرن اول بود. سعید بن قیس ارحبی برای تشویق نیروهای خود برای جنگ با معاویه و اثبات درست بودن راهی که برگزیده‌اند، در سخنان خود به حضور ۷۰ بدری در سپاه و در رأس آنان امیرمؤمنان (ع) اشاره کرد و متذکر شد که با این تعداد دیگر هیچ‌گونه شبهه‌ای در حقانیت خود نداشته باشند (وقعة صفین، صص ۲۳۶-۲۳۸). همین دیدگاه را می‌توان از این روایت به دست آورد که از ابان

بن تغلب پرسیده شد: آیا صحابه در جنگهای علی (ع) حضور داشته‌اند؟ ابان گفت: گویا شما می‌خواهید با حضور آنان حقانیت امیرمؤمنان (ع) را به دست آورید، در حالی که آن حضرت میزان حقانیت دیگران است. در منابع و روایات شیعه نیز شمار اصحاب حضرت مهدی (عج) به عدد اصحاب بدر گفته شده است (طبرسی، ج ۵، ص ۲۴۶).

نظر به جایگاه ویژه اصحاب بدر نزد مسلمانان از همان قرنهای نخست، در کتابهایی که درباره صحابه نوشته شده، موضوعی به این گروه تخصیص یافته است. کتابهای فراوانی در این باره نوشته شده است.

### تحلیل پایانی

خداوند متعال در قرآن کریم از این رویداد مهم به صورتهای متعددی یاد کرده است و شرکت‌کنندگان در این جنگ را ستوده است. تاجایی که در اسلام به این افراد بدریون یا اهل بدر می‌گفتند و جایگاه ویژه‌ای در بین سایر افراد داشتند. اکنون نیز چنین است و با همان القاب ذکر می‌شوند و از احترام خاصی در نزد مذاهب اسلامی برخوردارند. به سبب وقوع این جنگ سوره انفال نازل شد که احکام و قوانین خاص مربوط به جنگ و صلح را بیان نموده و اصول و مبانی مربوط به غنایم جنگی را برای مسلمانان تبیین نموده است. قرآن کریم علاوه بر بیان نقاط قوت مسلمانان و داشتن شاخصه‌هایی که دشمن فاقد آن شاخصه‌ها بود، نقاط ضعف مسلمانان را نیز چنین برمی‌شمارد: الف) جنگ که پیش آمد برخی ناراحت بودید: «إِنَّ فَرِيقًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ لَكَارِهُونَ» (انفال، ۵). ب) برخی از مرگ می‌ترسیدید: «كَأَنَّمَا يُسَاقُونَ إِلَى الْمَوْتِ» (انفال، ۶). ج) پریشان بودید و استغاثه می‌کردید: «إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ» (انفال، ۹). د) دوست داشتید بدون جنگ به غنیمت برسید: «وَتَوَدُّونَ أَنَّ غَيْرَ ذَاتِ الشُّوْكَةِ» (انفال، ۷). که این ضعفها در بعضی مردم در عرصه‌های چالش و درگیری چیز عجیبی نیست، مهم این است که برای کسب آمادگی برای مبارزه نقاط ضعف خود را باید به نقاط قوت تبدیل کرد.

قرآن کریم از این جنگ به «یوم الفرقان» یاد می‌کند که وقوع این جنگ یک طرح الهی برای نمایش قدرت مسلمانان و ضربه زدن به روحیه کفار بوده است و آن قدر امدادهای غیبی نازل شده که حق و باطل برای همه روشن شد.

## عملکرد رسول اکرم در مقابل اسرای جنگی

عملکرد رسول اکرم در برابر اسیران، نشانه رحمت و عطف و نیز اهمیت دادن به علم‌آموزی می‌باشد. ایشان اسرا را مورد عفو قرار داد و در مقابل اخذ فدیة آن‌ها در حد توان و کسانی که توانایی پرداخت فدیة را نداشتند ولی افراد باسواد بودند، پیامبر فرمود: «فدیة آنها این است که به فرزندان مسلمان خواندن و نوشتن بیاموزند» (احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۲۴۷).

جنگ بدر کلید فتوحات پیامبر بود و آغازی بود برای فتوحات دیگر از قبیل غزوه خندق، خیبر و ... در این نبرد مسلمانان آموختند در صورتی که مطیع و تسلیم دستورات خدای متعال و رسول خوبیها باشند، فتوحات یکی پس از دیگری نصیب آنها می‌شوند، هرچند که تعداد نیروهایشان نسبت به حریف اندک باشد، ولی در صورت عدم اطاعت، پیروزی دور از دسترس خواهد بود که مانند آن را در جنگ احد تجربه کردند.

اینها درسهای آموختنی است نه تنها برای مردم آن دوره، بلکه برای تمام اعصار، به خصوص برای ما مسلمانان این عصر که همواره با چالشهای بسیاری از سوی مستکبران و زورگویان مستبد روبرو هستیم «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» (عنکبوت، ۶۹).

## فهرست منابع

- قرآن کریم.
۱. ابن هشام، السیرة النبویة.
  ۲. احمد بن حنبل، مسند.
  ۳. اسباب النزول.
  ۴. تاریخ المدینه.
  ۵. ترجمه نبی رحمت، ابوالحسن ندوی.
  ۶. تفسیر مجاهد.
  ۷. خورشید نبوت، ترجمه الرحیق المختوم.
  ۸. الدر فی اختصار المغازی و السیر.
  ۹. زاد المسیر.
  ۱۰. طبرسی، مجمع البیان.
  ۱۱. غزوات الرسول و سرایاه.
  ۱۲. فصول فی سیره المرسلین.
  ۱۳. الکامل فی التاریخ.
  ۱۴. معرفة الصحابه.
  ۱۵. واقدی، المغازی.
  ۱۶. وقعة صفین.